

در آمدی بر رویکردهای نوین قانونگذار در نظام آزادی مشروط

محمدابراهیم شمس‌ناتری^{۱*}، زهرا احمدی‌ناطور^{۲**}

۱. (نویسنده‌ی مسئول)، دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی)
۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه تهران (پردیس فارابی)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۵/۰۳ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۶/۲۶)

چکیده

«آزادی مشروط» فرصتی است که پیش از پایان دوره‌ی محکومیت، به محکومان در بند داده می‌شود، تا چنانچه در طول مدتی که دادگاه تعیین می‌کند، از خود رفتاری پسندیده نشان دهند و دستورات دادگاه را به مورد اجرا گذارند، از آزادی مطلق برخوردار شوند. همواره فرض بر این است که این نهاد ارفاقی، در کنار احیای اصل فردی کردن مجازات‌ها، سازگاری اجتماعی و بازپروری محکومان به حبس را تسهیل می‌کند. در همین راستا، قانونگذار ایران نیز طی قوانین و مقررات مختلف، از این تأسیس جزایی بهره جسته و از جمله در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجریان قانون را با تحولات قابل توجهی نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ مواجه ساخته است. مطالعه‌ی حاضر، ضمن پرداختن به کلیاتی در باب امر و بررسی اجمالی تحولات قانون مجازات اسلامی جدید در حوزه‌ی آزادی مشروط، رویکردهای نوین قانونگذار در این حوزه را مورد توجه و تأکید قرار می‌دهد؛ ضرورت استفاده از آزادی مشروط برای اولین بار، ضرورت تحمل یک سوم از مدت مجازات در مورد محکومین به حبس تا ده سال و شمول مدت آزادی مشروط به بقیه‌ی مدت مجازات، از عمده‌ترین تحولات قانون جدید بوده و استفاده از نظارت الکترونیکی برای محکومین به حبس در جرایم تعزیری درجه‌ی پنج تا هشت، تحت شرایط مقرر قانونی، از جمله نوآوری‌های مطلق قانونگذار در این حوزه است. به طور کلی، شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط در قانون جدید، از جهات مختلف هموارتر گشته که اقدامی درخور تحسین است؛ گرچه باید منتظر تصویب آئین‌نامه‌ی اجرایی این مقررات ماند و اجرای آن را در عمل قضاوت نمود.

کلیدواژه‌گان: آزادی مشروط، قانون مجازات اسلامی، حبس، محکوم

مقدمه

امروزه مهم‌ترین هدف مکاتب کیفری نوین از اجرای مجازات‌ها، اصلاح و تربیت مجرمان و بازگرداندن آن‌ها به جامعه است و در حقیقت، میزان تأثیر مجازات‌ها بر اصلاح و تربیت مجرمین، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ارزیابی حقوق کیفری محسوب می‌گردد. مجازات حبس نیز در کنار سایر مجازات‌ها، به عنوان یکی از مجازات‌های رایج در نظام‌های کیفری معاصر مطرح است. سلب آزادی رفت و آمد و زندانی کردن، طی قرون متمادی سرگذشت پر فراز و نشیبی داشته و با تغییرات فراوانی همراه بوده است؛ تا سرانجام در قرن نوزدهم به عنوان مجازات اصلی و با شرایط خاص و مدت معین، به منظور اصلاح مجرمین رواج یافت (صانعی، ۱۳۸۸، صص ۱۳۱-۱۳۲) و از اوایل این قرن به دنبال لغو کیفرهای بدنی، به عنوان جایگزینی مناسب مطرح گشت. علیرغم اصلاحات متعددی که در خصوص زندان‌ها انجام شده و تلاش‌هایی که به منظور تبدیل زندان به یک نهاد تربیتی-اصلاحی صورت گرفته، هنوز هم پیامدهای جرم‌زای این مجازات از بین نرفته است. گویا شرایط داخلی و خارجی زندان (دیوارهای بلند، پرسنل نظامی یا انتظامی آن، مقررات سخت داخلی و ...) مانع رسیدن به این هدف بوده است (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰، صص ۷۴-۷۷).

امروزه اگرچه نمی‌توان گفت این مجازات به طور کلی مطرود شده است، باید اذعان داشت که هدف مهم و اساسی آن یعنی اصلاح بزه‌کار با شکست مواجه گردیده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰، صص ۹۵ و آشوری و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، صص ۹۰-۹۱)، لیکن مجازات زندان علیرغم همه‌ی انتقاداتی که متوجه آن شده، هنوز هم به عنوان یک واقعیت انکارناپذیر تلقی می‌شود و اعمال آن در خصوص برخی مجرمین، لازم است. البته قبول این مطلب نباید به منزله‌ی پذیرش تعمیم این مجازات تلقی گردد و باید از آن به عنوان آخرین حربه و در جایی که شیوه‌ی مناسب دیگری قابل اعمال نباشد، به عنوان واکنش جامعه علیه مجرم استفاده کرد و بدین ترتیب، نه تنها باید در جستجوی جایگزین‌های مناسب برای این مجازات بود^۱، بلکه باید در مواردی که هنوز از آن استفاده می‌شود، در فکر تصحیح و تعدیل اجرای آن برآمد. در همین راستا، تدابیر و شیوه‌هایی برای پربارتر کردن نقش اصلاحی و تربیتی این مجازات و همچنین کاستن از اثرات سوء آن مورد توجه قرار گرفته

۱. شایان ذکر است که در همین راستا، قانونگذار ایران در قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ طی مواد ۶۴ تا ۸۷ به درستی این نکته را مورد توجه قرار داده است.

است. اعمال چنین تدابیری، دست کم به دفع قسمتی از این آثار زیان‌بار کمک خواهد کرد. از جمله این شیوه‌ها، می‌توان به کار خارج از محیط زندان، کیفرهای پایان هفته‌ای، نظام نیمه‌آزادی و سرانجام نظام آزادی مشروط^۱ اشاره نمود.

نهاد اخیر که موضوع مورد بحث ماست، در واقع آزادی موقت محکوم به حبسی است که با وجود شرایطی، پیش از اتمام کامل مجازات حبس، تحت نظارت و به طور مقید، از بند و زندان رهایی می‌یابد و چنانچه در مدت تعیین شده‌ی قانونی، مرتکب نقض مقررات مربوطه نگردد، آزادی وی قطعی خواهد شد. در حقیقت با اعمال این نهاد، از طرفی شخص محکوم پس از اصلاح و برآورده شدن این هدف مهم مجازات، دیگر مجبور به تحمل مضرات و مفسدات مجازات حبس نخواهد بود و از طرف دیگر، با احراز شرایط لازم برای اعطای این نهاد و اعمال نظارت بر وی در دوران آزادی مشروط، یکی دیگر از اهداف اصلی مجازات که همان دفاع از جامعه در برابر خطرات ناشی از تکرار جرم است، تأمین خواهد شد. اعمال این نهاد همچنین، تقلیل جمعیت کیفری زندان‌ها را که از مسائل مورد توجه در علم اداره‌ی زندان‌هاست، در پی خواهد داشت. در قوانین جزایی تعریف خاصی از آزادی مشروط دیده نمی‌شود، لیکن می‌توان آن را با توجه به متن قانون و شرایط مقرر در آن بدین صورت تعریف نمود: «آزادی مشروط عبارت است از صدور حکم آزادی محکوم علیه از حبس یا تبعید^۲ توسط دادگاه صادرکننده‌ی حکم محکومیت قطعی، با رعایت شرایط مقرر در قانون، با این قید که محکوم‌علیه در مدتی معین - که قانون مشخص کرده است - باید مواردی را رعایت کند تا آزادی او قطعی گردد». یکی دیگر از اساتید نیز آزادی مشروط را نوعی فردی کردن نیمه قضایی و نیمه اجرایی که توسط مقامات اجرایی و قضایی به طور مشترک اعمال می‌گردد، تعریف نموده است (صانعی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۰). به طور کلی می‌توان آزادی مشروط را تعلیق مدتی از مجازات سالب آزادی، به شرط تعهد جدی محکوم‌علیه به باز اجتماعی شدن دانست (اخوت، ۱۳۸۵، ص ۲۴؛ ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۳۲).

آنچه که مقاله حاضر بدان پرداخته، از یک سو پاسخ به این سوال است که اهداف بنیادین آزادی مشروط چیست؟ نگارندگان با فرضیه‌ی اصلاح مجرم از یک طرف و تأمین حقوق جامعه از طرف

۱. Parole system

۲. ماده (۵) قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹ در مورد بزهکاران به عادت.

دیگر، به نگارش مقاله پرداخته‌اند و از سوی دیگر، به بررسی رویکردهای نوین قانونگذار در حوزه‌ی آزادی مشروط و تحولات قانونی مربوطه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته می‌شود.

۱. سیر تحولات تقنینی آزادی مشروط

نهاد آزادی مشروط با اقتباس از حقوق فرانسه (محمد نژاد قادیکلایی، ۱۳۷۶، ص ۴۱) و با تصویب «قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان» در سال ۱۳۳۷ به طور رسمی وارد حقوق ایران شد. لیکن سابقه‌ی استفاده از این نهاد، پیش از تصویب قانون مذکور نیز در حقوق ایران وجود داشته است. هرچند در آن زمان، عنوان دقیق و مصطلح «آزادی مشروط» در قوانین به کار نرفته بود. در این خصوص می‌توان به قانون «تعلیق مجازات زندانیان مصوب ۱۳۳۱» اشاره نمود که به دلیل عدم وجود زندان‌های کافی در کشور و به منظور تعدیل جمعیت زندانیان تصویب شده بود. برخلاف عنوان ظاهری این قانون، مقررات آن از جمیع جهات، منطبق با قواعد آزادی مشروط زندانیان بود و در مصوبات بعدی مجلس، با وجود جرح و تعدیل شروط اجرای آن تا این زمان، همواره مورد توجه قانونگذار بوده است (اردیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۵). به موجب این قانون، زندانیانی که به دلیل ارتکاب جنحه یا جنایت محکوم شده‌اند، پس از تحمل مدتی از مجازات، از تحمل مابقی آن معاف می‌شدند. البته محکومین به برخی از جرایم مهم، از شمول مقررات قانون مزبور مستثنی شده بودند. هرچند ماده‌ی واحده‌ی مزبور از معافیت بقیه‌ی مجازات صحبت به میان آورده است، با ملاحظه‌ی متن کامل آن درمی‌یابیم که در واقع، اجرای بقیه‌ی مجازات محکوم در این حالت، به طور موقت به تعویق می‌افتد و به طور کلی منتفی نمی‌شود؛ زیرا به موجب ذیل ماده: «... کسی که به موجب این قانون از بقیه‌ی مجازات معاف می‌شود، هرگاه ظرف پنج سال، مرتکب جنحه یا جنایت شود، علاوه بر مجازات آن جرم، بقیه‌ی مدت مجازات هم که از آن معاف شده، در مورد او اجرا خواهد شد». در هر حال مقررات این قانون، اعمال نهاد آزادی مشروط را به نحو فوق‌الذکر، مورد پیش‌بینی قرار داده بود.

دسته‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که این نهاد در واقع برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ و با تصویب «قانون راجع به وادار نمودن محبوسین غیرسیاسی به کار» وارد حقوق ایران شده است. آزادی مشروط پیش‌بینی شده در این قانون، هرچند از لحاظ مقررات ناظر بر آن، با آزادی مشروط مورد بحث اختلافاتی دارد، با مسامحه می‌توان آن را نیز آزادی مشروط قلمداد نمود (باهری، ۱۳۸۹، ص ۳۴۵؛ اردیلی، همان، ص ۲۲۵). به موجب این قانون، کسانی که به علت ارتکاب جرایم عادی (غیرسیاسی) به تحمل

حبس محکوم شده‌اند، پس از طی قسمتی از مجازات و اجتماع برخی شرایط، از زندان آزاد شده و برای کار به مؤسسات صنعتی و فلاحتی منتقل می‌شوند و آزادی آنان از زندان در این مدت، با ارتکاب جرم جدید پایان می‌یابد و در این صورت، برای تحمل آن میزان از مدت مجازات که از تاریخ ارتکاب جرم باقیمانده است، به زندان عودت داده می‌شوند. می‌توان مقررات این قانون را پیش‌بینی‌کننده‌ی نوعی آزادی مشروط توأم با کار اجباری و محافظت و نظارت دانست.

در هر حال، همان‌طور که اشاره شد، در ایران اولین قانونی که به طور صریح آزادی مشروط را مورد اشاره قرار داده و مقرراتی در خصوص آن تعیین نموده است، همان «قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان» مصوب سال ۱۳۳۷ است. مقررات این قانون تا سال ۱۳۶۱، در کنار قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ از قدرت اجرایی برخوردار بود. در این سال، با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی، ماده‌ی ۳۹ آن با اندک تغییراتی، جانشین ماده‌ی واحده‌ی سال ۱۳۳۷ شد. در سال ۱۳۶۸ آئین‌نامه و مقررات زندان‌ها نیز مقرراتی را راجع به آزادی مشروط مورد پیش‌بینی قرار داده و در سال ۱۳۷۰ با تصویب قانون مجازات اسلامی، مواد ۳۸ تا ۴۰ آن، جانشین ماده‌ی ۳۹ قانون سال ۱۳۶۱ در این زمینه شد. آئین‌نامه‌ی قانونی سازمان زندان‌ها مصوب سال ۱۳۷۲ که جانشین آئین‌نامه‌ی سال ۱۳۶۸ شده است نیز حاوی مقرراتی در این مورد است. بالاخره در سال ۱۳۷۷ با تصویب ماده واحده‌ای مشتمل بر چهار قسمت، تغییراتی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ صورت گرفت. مواد ۳۸، ۳۹ و ۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ تقریباً با تغییراتی، تکرار همان مواد قوانین ۱۳۳۷ و ۱۳۶۱ بود که ماده‌ی ۳۸ آن در اجرای «قانون اصلاح دو ماده و الحاق یک تبصره به قانون مجازات اسلامی»، در سال ۱۳۷۷ اصلاح شد و تا اوایل سال ۱۳۹۲ ملاک عمل قرار می‌گرفت. نهایتاً در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲، قانون مجازات اسلامی جدید، پس از یک جریان پر فراز و نشیب به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و قانونگذار مواد ۵۸ تا ۶۳ آن را تحت عنوان «نظام آزادی مشروط»، به این حوزه اختصاص داد که در ادامه، به بحث و بررسی مواد مذکور و بیان ایرادات و امتیازات این قانون نوظهور نسبت به قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ می‌پردازیم.

۲. اهداف بنیادین آزادی مشروط

به طور کلی فلسفه‌ی آزادی مشروط، دادن یک ارفاق یا امتیاز از طرف قانونگذار به بزهدارانی است که به مجازات حبس محکوم می‌شوند. اجرای روش‌های آزادی مشروط، یکی از موارد مهم

تشویق زندانیان به حفظ نظم و آرامش، حسن سلوک و خوش رفتاری با دیگران محسوب می‌شود و از آثار سوء محیط زندان تا حدودی جلوگیری می‌کند و در اصلاح و تربیت زندانیان نیز در بین مرحله‌ی آزادی و زندان بسیار مفید است (دانش، ۱۳۷۶، ص ۴۰۲). صرف نظر از این که آزادی مشروط باعث کاهش جمعیت زندانیان و نیز کاهش هزینه‌های دولت می‌شود، تأثیر بسیار مثبتی نیز بر عملکرد فرد زندانی می‌گذارد و او ضمن تلاش برای تغییر در اخلاق و رفتار خویش، برای ورود به اجتماع نیز آمادگی پیدا می‌کند (مجیبی، ۱۳۸۴، ص ۴۳).

در حقیقت اعطای آزادی مشروط، مبین ارضای توقعات جامعه و به خصوص محیط اصلاحی و تربیتی زندان در مورد بزهکاری است که به دلایلی مرتکب جرم و محکوم به مجازات حبس شده است. وقتی فردی محکوم به مجازاتی می‌شود، تردیدی نیست که در کنار هدف تأدیب و تنبیه مجرم، اصلاح و باز اجتماعی شدن او نیز مورد توجه جامعه است. جامعه توقع دارد که دوران تحمل محکومیت در زندان، موجب شناخت بیشتر محکوم و آشنایی با گره‌های روانی و مشکلات اجتماعی او گردد، تا با اتخاذ شیوه‌های درست، علمی و منطقی، بتوان بزهکار را در خلال دوران محکومیت درمان نمود و او را به جامعه بازگرداند (نوربها، همان، ص ۹۳). لذا وقتی مفهوم اجرای مجازات با مفهوم درمان بزهکار توأم و تلفیق شود، دیگر نیازی نیست که محکوم، کلیه‌ی دوران محکومیت خود را در زندان سپری نماید. درمان مجرم، آزادی او را تسهیل، و این آزادی بزهکار را تشویق می‌کند که در دوران تحمل محکومیت، در اصلاح و درمان خود بکوشد، تا زودتر به آغوش خانواده و جامعه‌ی خویش بازگردد. بدین ترتیب، با اجرای صحیح این تأسیس قضایی، از حدوث لطمه‌های افزون‌تر که به دلیل تحدید آزادی بر مجرم وارد شده، جلوگیری می‌شود. همچنین، جامعه از تحمل هزینه‌های گزاف و بیهوده معاف شده و به علاوه، می‌توان از نیروی محکومان اصلاح شده نیز در جهت خدمت به جامعه و پیشرفت کشور بهره جست.

۳. شرایط برخورداری از امتیاز آزادی مشروط

صدور حکم آزادی مشروط، منوط به رعایت و حصول شرایطی می‌باشد. برخی از این شرایط، مربوط به نوع محکومیت کیفری است، برخی از آن‌ها مربوط به شخص محکوم و برخی دیگر مربوط به شرایط شکلی و درخواست آزادی مشروط است. در ادامه، تحولات و دگرگونی‌های

قانون مجازات ۱۳۹۲ در خصوص شروط مزبور، ضمن مدنظر قرار دادن قانون مجازات ۱۳۷۰، به بوته‌ی نقد و بررسی گذاشته می‌شود.

۳-۱. شرایط مربوط به محکومیت کیفری

برخی از شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط، مربوط به محکومیت کیفری می‌باشد؛ از جمله نوع و سابقه‌ی محکومیت و همچنین سپری شدن مدت خاصی از مجازات حبس که به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

۳-۱-۱. نوع و سابقه‌ی محکومیت

طبق قوانین جزایی ایران، هر نوع محکومیت و مجازاتی مشمول مقررات آزادی مشروط قرار نمی‌گیرد. در خصوص نوع مجازات مشمول مقررات آزادی مشروط، ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ مقرر می‌داشت: «هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد...». در این زمینه، ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات جدید نیز کمافی‌السابق، تنها محکومیت به مجازات حبس را مشمول مقررات آزادی مشروط می‌داند و مقرر می‌دارد: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه صادرکننده‌ی حکم می‌تواند...». لذا در خصوص قلمرو اعمال آزادی مشروط در قانون جدید، همانند قانون سابق، همچنان محکومیت به مجازات حبس - در کنار سایر شرایط که در مباحث آتی ذکر خواهد شد - ملاک استفاده از امتیاز آزادی مشروط می‌باشد.^۱

در زمان اجرای قانون سابق، در خصوص ذکر کلمه‌ی «حبس» به طور مطلق در ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ و این که آیا منظور از آن حبس به معنای مطلق آن است - یعنی شامل حبس‌های ناشی از حدود و قصاص نیز می‌شود - یا فقط شامل حبس‌های تعزیری و بازدارنده می‌باشد، همواره ابهامات و اختلاف نظرانی میان حقوقدانان وجود داشت. پاره‌ای از حقوقدانان بر این عقیده بودند که هر چند کلمه‌ی «حبس» در ماده‌ی مذکور اطلاق دارد، لیکن به نظر می‌رسد که تنها حبس‌های تعزیری و بازدارنده را می‌توان مشمول آن دانست؛ زیرا مجازات‌های حبس حدی مقدر است و

۱. البته به موجب ماده‌ی ۵ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹، کسانی که به «تبعید» محکوم شده‌اند و به گونه‌ای حالت خطرناک دارند نیز طبق شرایط ماده‌ی ۵ و پس از سپری شدن حداقل سه سال از مدت تبعید، می‌توانند از مقررات آزادی مشروط مقرر در قانون اقدامات تأمینی استفاده کنند.

قاضی در تعیین یا تغییر آن نقشی ندارد. لذا مشمول حکم ماده‌ی مذکور نمی‌گردد (نوربها، ۱۳۹۱، ص ۴۷۶). در مقابل، دسته‌ای دیگر از حقوقدانان بر این عقیده بودند که کلیه‌ی مجازات‌های حبس اعم از حدود، تعزیرات و بازدارنده و یا قوانین متفرقه‌ی دیگر، مشمول مقررات آزادی مشروط قرار خواهند گرفت. استاد این دسته، ذکر عبارت حبس به صورت مطلق در ماده‌ی مذکور بود (باهری، همان، ص ۱۱۳). در نتیجه، طبق نظر این دسته از حقوقدانان، اعمال مقررات آزادی مشروط در مواردی همچون بند «ج» ماده‌ی ۲۰۱ قانون مجازات ۱۳۷۰ - مجازات حبس ابد در مرتبه‌ی سوم برای سارق حدی - نیز قابل اعمال بود.

به نظر می‌رسد در این میان، حق با کسانی بود که حبس را به معنای مطلق آن در نظر می‌گرفتند، زیرا علاوه بر اطلاق عبارت حبس در ماده‌ی ۳۸، پیشینه‌ی تقنینی آزادی مشروط نیز مؤید این نظر بود؛ توضیح این که، قانونگذار در سال ۱۳۶۱ در ماده‌ی ۳۹ قانون راجع به مجازات اسلامی، فقط کسانی را مشمول مقررات آزادی مشروط می‌دانست که به مجازات «حبس تعزیری» محکوم شده باشند، لیکن در قانون مجازات ۱۳۷۰ (ماده‌ی ۳۸)، کلمه‌ی «تعزیری» حذف شد و این امر خود نشان از گرایش مقنن به استفاده از آزادی مشروط برای کلیه‌ی محکومین به حبس داشت. نهایتاً قانونگذار با تصویب قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ به این اختلاف نظرها پایان داد. توضیح این که، بر اساس ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات جدید، از این پس، فقط محکومین به «حبس تعزیری» مشمول مقررات آزادی مشروط می‌گردند و دیگر اطلاق موجود در قانون مجازات سابق در عبارت حبس وجود ندارد. بدین ترتیب، تنها محکومینی می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط استفاده نمایند، که محکوم به مجازات حبس تعزیری شده باشند. اتخاذ چنین رویکردی، با توجه به غیر قابل تغییر بودن مجازات‌های حدی، منطقی نیز به نظر می‌رسد.

بحث دیگری که در خصوص ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ مطرح می‌شد، این بود که آیا مشمول ماده در مورد کسانی است که به‌طور کلی برای اولین بار مرتکب جرم مستوجب مجازات حبس شوند، یا این که منظور ماده کسانی است که قبلاً به مجازات‌های دیگری غیر از حبس محکوم شده و این اولین بار است که به مجازات حبس محکوم شده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، اکثریت دکترین حقوق جزا قائل بر این نظر بودند که مشمولین قاعده‌ی تکرار جرم می‌توانند از مقررات آزادی مشروط استفاده کنند؛ یعنی اگر محکوم علیه قبلاً مرتکب جرمی شده که مجازات آن غیر از حبس بوده و اکنون برای بار اول مرتکب جرم جدیدی شده که مجازات آن حبس است، می‌توانست

از آزادی مشروط استفاده کند، لیکن اگر مجازات جرم قبلی او حبس می‌بود و جرم جدید او نیز مجازات حبس داشت، نمی‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند. نظریه‌ی مشورتی شماره ۷/۵۰۸۰-۱۳۸۰/۱۰/۴ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید همین امر بود. بدین ترتیب، بر اساس قانون مجازات ۱۳۷۰، ملاک استفاده از امتیاز آزادی مشروط، محکومیت به مجازات حبس برای بار اول بود و در نتیجه، فردی که برای چندمین بار به مجازات حبس محکوم می‌شد، حتی اگر تا آن لحظه از امتیاز آزادی مشروط استفاده نکرده بود، حق تقاضای استفاده از این امتیاز را نداشت. به نظر نگارندگان، این مسئله انگیزه‌ی محکومین به حبس‌های مکرر را در سعی بر اصلاح و تربیت و نشان دادن حسن اخلاق و رفتار در دوران محکومیت، تا حد زیادی از بین می‌برد.

خوشبختانه قانونگذار در قانون مجازات جدید، رویکرد متفاوت و جالبی را در برخورد با این مسئله اتخاذ نموده و طی اقدامی مدبرانه و شایسته، شرط محکومیت به مجازات حبس برای بار اول را ملغی نموده و در بند ۴ ماده‌ی ۵۸ قانون مذکور مقرر داشته که: «محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد». لذا زین پس، برای استفاده از امتیاز آزادی مشروط، محکومیت به مجازات حبس برای بار اول ملاک نیست، بلکه استفاده کردن از امتیاز آزادی مشروط برای بار اول ملاک قرار گرفته است. به عبارت دیگر، حتی در حالتی که محکوم سه فقره سابقه‌ی محکومیت به مجازات حبس داشته باشد، ولی تا آن لحظه از امتیاز آزادی مشروط استفاده نکرده باشد، در مرتبه‌ی چهارم در صورت تمایل و حصول شرایط مد نظر قانونگذار، می‌تواند از این امتیاز استفاده کند. این شیوه‌ی قانونگذاری، هم از لحاظ مدنظر قرار دادن حقوق و منافع محکومین، و هم از نظر حصول اهداف اصلاحی- تربیتی مجازات‌ها، اقدامی در خور تحسین و توجه می‌باشد. البته در مقابل این نظر، برخی از حقوق‌دانان با رویکردی انتقادی نسبت به این مسئله واکنش نشان داده و اظهار نموده‌اند که با وجود شرط نداشتن سابقه‌ی استفاده از آزادی مشروط، معلوم نیست تفاوت میان کسی که قبلاً یک بار از امتیاز آزادی مشروط برخوردار شده و سربلند از این آزمون بیرون آمده است، با کسی که برای نخستین بار از این امتیاز منتفع می‌گردد چیست؟ مگر آن که گفته شود کسی که دارای سابقه‌ی محکومیت به حبس است و از این فرصت، استفاده نموده است، دگر بار شایستگی استفاده از این امتیاز را ندارد، در حالیکه چنین تبعیضی بی‌معناست، زیرا شرط استفاده از امتیاز آزادی مشروط، حسن اخلاق و بروز نشانه‌های اصلاح‌پذیری در دوران تحمل مجازات حبس است. با چنین شرطی، اگر کسی به مجازات حبس محکوم شده باشد، لیکن به هر دلیلی از امتیاز مذکور استفاده

نکرده باشد و حکم محکومیت به حبس به صورت کامل به اجرا درآمده باشد، در محکومیت پسین به مجازات حبس، می‌تواند با اجتماع سایر شروط، از این امتیاز بهره‌مند گردد، حتی اگر به تکرار جرم متهم باشد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۰). انتقاد مذکور نیز در جای خود جای تأمل دارد.

۳-۱-۲. شرط سپری شدن مدتی از مجازات

برای اطلاع از نحوه‌ی واکنش محکوم نسبت به مجازات در طول دوران محکومیت و اطلاع از حصول شرایط مدنظر قانونگذار جهت استفاده از امتیاز آزادی مشروط، قاعداً فرد باید مدتی از مجازات خود را در زندان سپری کند. این مدت در قانون مجازات ۱۳۷۰ (ماده‌ی ۳۸) همانند قانون ۱۳۶۱، نصف مدت مجازات حبس بود که ملاک احتساب در این موارد، مدت زمانی بود که در حکم دادگاه قید شده و به اجرا درآمده است. در خصوص مجازات حبسی که محکوم علیه از تخفیف قانونی و یا به موجب اختیار دادگاه از آن برخوردار شده نیز، مبنای احتساب، میزان حبس تخفیف یافته‌ای بود که برای او تعیین شده بود. همین حکم در مورد مجازات تقلیل یافته پس از عفو از جمله مجازات اعدام پس از تخفیف یا عفو محکوم علیه، در صورت تبدیل آن به مجازات حبس نیز صادق بود. یعنی همواره ملاک احتساب، مجازات تقلیل یافته بود (اردبیلی، همان، ص ۲۲۸؛ نظریات ۷/۳۲۰۹-۷/۱۱/۰۵/۷۸ و ۷/۲۵۲۲-۷/۰۶/۷۰/۶۰ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه).

در قانون مجازات جدید نیز تقریباً همان رویه‌ی قانون سابق حاکم است، با این تفاوت که در خصوص میزان مدت مزبور، قانونگذار به نوعی از ماده‌ی ۳۸ سابق قانون مجازات ۱۳۷۰ الهام گرفته^۱ و در ماده‌ی ۵۸ آن مقرر می‌دارد که محکومان به حبس بیش از ۱۰ سال، پس از تحمل نصف مدت مجازات و در سایر موارد (یعنی در حبس تا ۱۰ سال) پس از تحمل یک سوم از مدت مجازات، می‌توانند متقاضی استفاده از آزادی مشروط گردند؛ چنین اقدامی در مقایسه با قانون سابق، از جهاتی قابل تحسین و سپاس است زیرا بر اساس قانون سابق، چنانچه فردی برای مثال به ۱۰ سال حبس محکوم می‌گشت، در صورتی می‌توانست از امتیاز آزادی مشروط استفاده نماید که حداقل ۵ سال (۶۰ ماه) از مدت حبس خود را سپری کرده باشد، لیکن بر اساس قانون جدید، چنین فردی می‌تواند

۱. مطابق ماده‌ی مذکور، اگر مجازات قانونی جرمی تا سه سال حبس بود، محکوم علیه با سپری کردن نصف مجازات حبس و اگر مجازات جرمی بیش از سه سال حبس بود محکوم علیه با سپری کردن دو ثلث از مجازات، می‌توانست از آزادی مشروط استفاده کند که این قید در اصلاحات سال ۱۳۷۷ حذف شد.

پس از گذراندن ۳ سال و ۴ ماه (۴۰ ماه) از مدت مجازات خود، متقاضی استفاده از امتیاز آزادی مشروط گردد. البته در خصوص محکومیت به حبس‌های بیش از ۱۰ سال، کمافی‌السابق، ملاک استفاده از آزادی مشروط، سپردن نصف مدت محکومیت می‌باشد.

مسئله‌ای که هم در قانون مجازات ۱۳۷۰ و هم در قانون مجازات جدید مغفول واقع شده است، مسئله‌ی «محکومان به حبس ابد» است. بحثی که همواره در میان حقوقدانان مطرح بوده، این است که آیا محکومان به حبس ابد می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط استفاده کنند یا خیر؟ در این خصوص، تبصره‌ی ماده واحده‌ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ اشعار می‌داشت: «محکومین به حبس ابد پس از گذراندن دوازده سال حبس ممکن است از آزادی مشروط استفاده نمایند»، لیکن قانون مجازات ۱۳۷۰ و قانون مجازات جدید، در این مورد سکوت است. اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه نیز طی نظریات متعدد، حبس ابد را از شمول مقررات آزادی مشروط مستثنی نموده و اعلام نموده که حبس دائم، حتی پس از عفو و تقلیل مجازات، از شمول آزادی مشروط خارج است (نظریات ۱۳۴۵-۷/۱۴۴۵ و ۱۳۷۲/۷/۲۵ و ۷/۵۰۷۶-۱۳۷۸/۸/۹ و ۷/۳۲۰۹-۱۳۷۸/۵/۱۱). همچنین چنانچه حکم اولیه‌ی دادگاه، مجازات اعدام بوده باشد (نه حبس) و به لحاظ عفو به حبس ابد تبدیل و سپس به پانزده سال حبس تقلیل یافته باشد؛ مشمول مقررات آزادی مشروط نمی‌گردد (نظریه‌ی ۷/۳۵۴۴-۱۳۷۹/۴/۱۸ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه).

در زمان حاکمیت قانون مجازات ۱۳۷۰ و در سکوت قانون، برخی از حقوقدانان بر این عقیده بودند که در خصوص مجازات‌های حبس ابد، همچنان می‌توان از تبصره‌ی ماده واحده‌ی قانون «راجع به آزادی مشروط زندانیان» استفاده کرد و به صرف این که در قانون مجازات به این مورد اشاره‌ای نشده است، نمی‌توان اعتقاد به نسخ ضمنی این ماده واحده داشت و قانون مذکور، در آن قسمت که با قانون مجازات اسلامی مغایرتی ندارد، همچنان معتبر است (اردبیلی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۱)؛ چرا که در تعریف نسخ ضمنی گفته شده است که نسخ ضمنی هنگامی است که پس از انتشار قانون (ماده واحده‌ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان) مقرراتی تصویب شود (ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی) که با قانون سابق قابل جمع نباشد؛ در این صورت، چون اجرای هر دو قانون امکان ندارد و معقول به نظر نمی‌رسد که قانونگذار اجرای دو امر متضاد را فرمان دهد، با توجه به اینکه قانون جدید آخرین اراده‌ی قانونگذار است، باید همان قانون جدید اعمال شود و قانون قدیم به طور ضمنی نسخ می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۱۷۰) در حالی که مغایرت و تضادی بین این قانون و

ماده واحده وجود ندارد و با یکدیگر قابل جمع می‌باشد. در نتیجه به نظر این دسته، چون قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ در خصوص اعمال مقررات آزادی مشروط نسبت به حبس ابد حکمی نداشت و از طرفی بین ماده واحده و این قوانین مغایرتی وجود نداشت، استناد به تبصره‌ی ماده واحده‌ی مزبور خالی از اشکال بود. البته در مکتوبات همین دسته از حقوقدانان پس از تصویب قانون جدید، اثری از این قبیل نظریات دیده نمی‌شود، گویا به نوعی از نظریات سابق خود در خصوص امکان استفاده‌ی مطلق محکومین به حبس ابد از آزادی مشروط عدول نموده و تنها در شرایط خاصی قائل به پذیرش امکان استفاده‌ی محکومین به حبس ابد از آزادی مشروط گشته‌اند.^۱ در هر حال، از جمله توالی فاسد عدم نسخ ماده واحده‌ی مزبور، مثالی همچون محکوم به حبس ۳۰ سال است که وفق صدر ماده، امکان استفاده از آزادی مشروط بعد از ۱۵ سال را دارد و در مقایسه با محکومین به حبس دائم، از شرایط نامساعدتری برخوردار گردیده است.

همچنین، شایان ذکر است که در خصوص آزادی مشروط در حبس‌های مؤبد تعزیری در قانون مجازات جدید، علیرغم آن که حکم این مسئله در ماده‌ی (۵-۱۵۴)^۲ متن اولیه‌ی لایحه پیش‌بینی شده بود، به لحاظ آن که بعداً در ماده‌ی ۱۹ مصوبه‌ی ۱۳۸۸/۵/۲۷ کمیسیون، حداکثر حبس تعزیری ۳۰ سال تعیین گردید، بلااثر تلقی و حکم اعطای آزادی مشروط در حبس‌های مؤبد حذف شد که مجدداً بدون آن که شورای محترم نگهبان بر چنین مسئله‌ای ایراد بگیرد، کمیسیون حقوقی در اصلاحیه‌ی ۱۳۹۱/۹/۱۴ با تغییر ماده‌ی ۱۹، سقف ۳۰ سال را برای حبس جرایم تعزیری حذف نمود که به منزله‌ی پذیرش تلویحی امکان حبس ابد در چنین جرایمی بود، ولی ظاهراً بیان مجدد حکم ناظر بر نحوه‌ی اعطای آزادی مشروط در اینگونه حبس‌ها به فراموشی سپرده شد و در نتیجه، حکم مسئله در قانون مجازات جدید به سکوت واگذار شده است که به طور یقین نیاز به تصریح قانونی برای رفع این اشکال وجود دارد.

۱. استدلال اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه این است که ملاک، مدت محکومیت حبس در حکم دادگاه است و نه میزان حبس تقلیل یافته، لیکن از ماده‌ی ۵۸ قانون جدید، فقط «... تحمل نصف و ... تحمل یک سوم مجازات» فهمیده می‌شود، خواه تقلیل یافته، خواه تقلیل نیافته باشد. تفسیر به نفع محکوم علیه نیز مقتضی چنین تفسیری است (اردبیلی، ۱۳۹۳، صص ۲۲۹-۲۲۸).

۲. دادگاه صادر کننده‌ی حکم در مورد مجازات‌های تعزیری و بازدارنده می‌تواند در مورد محکومان به حبس ابد، مشروط به اجرای ۱۵ سال و محکومان به حبس‌های کمتر از آن، مشروط به اجرای یک سوم مجازات حبس، به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند.

ذکر این مطلب نیز خالی از فایده نیست که در سیستم حقوقی کشورهای مختلف، محکومین به حبس ابد پس از سپری کردن مواعد خاص مقرر در قانون، می‌توانند از امتیاز آزادی مشروط استفاده نمایند. چنانکه محکومین به حبس ابد در سوئد پس از ۱۰ سال، در سوییس و آلمان پس از ۱۵ سال و در نروژ پس از ۲۰ سال، استحقاق استفاده از آزادی مشروط را خواهند یافت (کارمزدی، ۱۳۷۶، ص ۳۹).

۲-۳. شرایط مربوط به شخص محکوم

برخی از شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط مربوط به شخص محکوم می‌باشد؛ از جمله احراز اصلاح محکوم و حسن سلوک مستمر در وی، اطمینان از عدم ارتکاب جرم در آینده توسط محکوم و تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم توسط وی که در ادامه به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد:

۱-۲-۳. اصلاح محکوم و حسن سلوک مستمر

علاوه بر مواردی که در مباحث پیشین ذکر گشت، برای این که شخص محکوم بتواند از امتیاز آزادی مشروط استفاده کند، حصول و اجتماع یکسری شرایط در خود شخص محکوم نیز مد نظر قانونگذار قرار گرفته است. یکی از این شرایط، وجود حسن اخلاق و سلوک مستمر در فرد محکوم می‌باشد که این شرط در بند «۱» ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات ۱۳۷۰ مورد اشاره قرار گرفته بود و مطابق تبصره‌ی ۱ همان ماده، تایید این موضوع از اختیارات رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رئیس حوزه‌ی قضایی محل (دادستان) بود. در حقیقت قانونگذار، از میان محکومان به حبس، کسانی را شایسته‌ی استفاده از آزادی مشروط شناخته است که در مدت اجرای مجازات، به نحو مستمر از خود حسن اخلاق نشان داده باشند. احتمالاً قانونگذار خواسته است با توجه به روحیات و خلق و خوی محکومان، دلیلی بر اصلاح آنان و کفایت مجازات به دست داده باشد. در هر حال، هیچ‌گاه نباید تنها به ظواهر رفتار زندانیان که ممکن است به انگیزه‌ی نیل به آزادی در حفظ آن بسیار بکوشند، اکتفا نمود (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۹) و این مسئله باید با بررسی‌های دقیق کارشناسی و تحت نظر روانشناسان زنده بررسی و احراز گردد.

شرط مذکور در قانون سابق، بدون تغییر چندانی در بند ۱ ماده‌ی ۵۸ قانون جدید نیز مجدداً تکرار و مقرر گشته که: «محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد» و بر اساس ذیل ماده‌ی مذکور، این موضوع پس از گزارش رئیس زندان محل گذراندن محکومیت، باید به تأیید قاضی اجرای احکام کیفری برسد و قاضی اجرای احکام نیز موظف است وضعیت زندانی را درباره‌ی تحقق شرایط مذکور بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید. تحقیق در خصوص سابقه‌ی زندانی، برای قاضی ناظر زندان ضروری است و در صورتی که قاضی ناظر زندان در این خصوص اقدام ننماید، دادگاهی که مشغول رسیدگی و صدور حکم آزادی مشروط زندانی است، مکلف است شرایط لازم از جمله وضعیت سابقه‌ی محکومیت کیفری زندانی را بررسی و در صورتی که حائز شرایط باشد، نسبت به صدور حکم آزادی اقدام نماید (نظریه‌ی ۷/۴۸۷۰-۱۳۷۷/۷/۶ اداره‌ی حقوقی قوه قضائیه). بدین ترتیب، تأیید حسن سلوک و اخلاق مستمر زندانی، که در قانون سابق از اختیارات رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رئیس حوزه‌ی قضایی محل (دادستان) بود، مطابق قانون جدید، منحصراً در اختیار قاضی اجرای احکام کیفری قرار دارد و از میان مقامات مندرج در قانون سابق، تنها رئیس زندان محل گذراندن محکومیت، وظیفه‌ی گزارش موضوع به قاضی اجرای احکام را دارد. نکته‌ی جالب این که قانونگذار در قانون جدید، قاضی اجرای احکام را موظف نموده که علاوه بر بررسی وضعیت زندانی در خصوص حسن سلوک و رفتار مستمر در دوران محکومیت، در صورت احراز، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید، در حالی که در قانون سابق، تکلیف و اجباری در این خصوص متوجه مقامات مربوطه نبود و این مسئله، یکی از اقدامات مثبت و جالب توجه قانونگذار در جهت تسهیل اعطای آزادی مشروط به محکومین واجدین شرایط و احقاق حقوق آنان در این زمینه می‌باشد.

۲-۲-۳. اطمینان از عدم ارتکاب جرم در آینده

شرط دیگری که باید در محکوم وجود داشته باشد تا مشمول امتیاز آزادی مشروط گردد، این است که حالات و رفتار وی در دوران محکومیت گویای این باشد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرم نخواهد شد. در این خصوص شاید بتوان یکی از قرائن را همان حسن رفتار زندانی در مدت اجرای حکم فرض کرد، ولی این قرینه چندان اطمینان بخش نیست. سنجش حالت خطرناک که از

لحاظ جرم‌شناسی بالینی، متضمن ارزشیابی ظرفیت جنایی بزهکار است، کاری دقیق و با جلب نظر کارشناس، شدنی است و گرنه ممکن است در این باره به قضاوتی نادرست رسید و جامعه را با خطر دیگری روبه‌رو ساخت. شرط مزبور در بند ۲ ماده‌ی ۳۸ قانون سابق بدین نحو پیش‌بینی شده بود: «هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش‌بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد» که بر اساس تبصره‌ی ۱ همان ماده، تشخیص و تأیید صحت امر، به رئیس زندان محل گذراندن محکومیت و قاضی ناظر زندان و یا رئیس حوزه‌ی قضایی (دادستان) واگذار شده بود. در قانون جدید نیز همین شرط با اندک تغییرات لفظی در بند ۲ ماده‌ی ۵۸ مورد پیش‌بینی قانونگذار قرار گرفته است و مقرر گشته که: «حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نمی‌شود» و بر اساس ذیل ماده - همانند بند پیشین - این موضوع پس از گزارش رئیس زندان محل گذراندن محکومیت باید به تأیید قاضی اجرای احکام کیفری برسد و قاضی اجرای احکام موظف است وضعیت زندانی را درباره‌ی تحقق شرط مذکور - و سایر شرایط لازم - بررسی و در صورت احراز آن، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه تقدیم نماید.^۱

۳-۲-۳. تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم

شرط لازم دیگر برای اعطای آزادی مشروط از نظر قانونگذار، تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم از سوی محکوم می‌باشد. ضرر و زیان مدعی خصوصی از مصادیق الزامات مالی است که بزهکار مکلف است ترتیبی برای پرداخت آن بدهد یا به هر تقدیر با متضرر از جرم مصالحه کند. شرط مزبور، در بند ۳ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات سابق بدین نحو مقرر شده بود: «هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زیانی که مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده، بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی، مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه‌ی قضایی ترتیبی برای پرداخت داده باشد» که بر اساس تبصره‌ی ۱ همان ماده، مراتب مذکور در خصوص پرداخت جزای نقدی و ضرر و زیان ناشی از جرم، نیازمند تأیید و موافقت قاضی مجری حکم بود.

در قانون مجازات جدید، قانونگذار مجدداً شرط مزبور را با تغییراتی در بند ۳ ماده‌ی ۵۸ مورد اشاره قرار داده و مقرر می‌دارد: «به تشخیص دادگاه، محکوم تا آنجا که استطاعت دارد، ضرر و زیان

۱. به لحاظ تشابه موضوع و جهت جلوگیری از اطاله‌ی کلام، به توضیحات مبحث پیشین رجوع شود.

مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد». تفاوت بارز ماده‌ی ۵۸ قانون جدید با ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات سابق، حذف جمله‌ی «و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی، مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رئیس حوزه‌ی قضایی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد» است. با حذف این بند، به نظر می‌رسد قانونگذار با نظر ارفاقی بیشتری با محکومین برخورد نموده و صدور حکم آزادی مشروط، دیگر پیش‌نیازی تحت عنوان پرداخت جزای نقدی (در احکامی که حبس توأم با جزای نقدی دارند) ندارد و با این اقدام، باز هم شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط برای محکومین نسبت به قانون مجازات سابق، هموارتر گشته است. لازم به ذکر است که جلب رضایت مدعی خصوصی، شرط استفاده از آزادی مشروط نمی‌باشد (نظریه‌ی ۱۶/۴۰۷-۱۳۷۸/۸/۹ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه) اما طبق صراحت بند «پ» ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات جدید که مقرر نموده: «محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد»، تا زمانی که این شرط حاصل نشود، امکان صدور حکم آزادی مشروط وجود ندارد. در عین حال ممکن است مدعی خصوصی به رغم پرداخت ضرر و زیان، رضایت ندهد.

نکته‌ی قابل توجهی که در قانون مجازات سابق وجود داشت، این بود که اعسار فرد از پرداخت خسارت مدعی خصوصی، مانع استفاده از آزادی مشروط نمی‌شد و دادگاه می‌توانست با قرار دادن شرایطی از جمله تقسیم آن یا در صورت مصالحه‌ی محکوم با مدعی خصوصی، آزادی مشروط را به فرد اعطا کند، لیکن برخلاف این مورد، اعسار از پرداخت یک‌جا یا به تقسیم جزای نقدی - به توجه به غیرقابل مصالحه بودن آن - می‌توانست مانع اعطای آزادی مشروط به محکوم علیه گردد و چنانچه برای دادگاه محرز می‌گشت که محکوم پس از آزادی، توان پرداخت جزای نقدی مورد حکم دادگاه را ندارد و نمی‌تواند ترتیبی برای پرداخت آن نیز بدهد، می‌توانست وی را از امتیاز استفاده از آزادی مشروط محروم سازد. البته برخی از حقوقدانان بر این عقیده بودند که در صورتی که محکوم نتواند ترتیبی برای پرداخت جزای نقدی بدهد و در نهایت معسر شناخته شود، منعی برای استفاده از آزادی مشروط وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۲) لیکن به نظر نگارندگان، از مفهوم مخالف عبارات ماده، نظر پیشین تقویت می‌گشت و نظریه‌ی مشورتی شماره‌ی ۷/۹۷۴۶-۱۳۸۲/۱۱/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید همین نظر و رویکرد سختگیرانه‌ی قانونگذار در قبال پرداخت جزای نقدی بود.

۴. تشریفات مربوط به تقاضا و اعطای آزادی مشروط

تقاضای آزادی مشروط از سوی محکوم و اعطای آن از سوی مرجع صالح، مستلزم طی مراحل و انجام تشریفات همچون پیشنهاد توسط دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری و بررسی تقاضا توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌باشد که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد.

۴-۱. پیشنهاد آزادی مشروط

بر اساس ماده‌ی ۳۹ قانون مجازات سابق، صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور بود که البته باید به تأیید دادستان یا دادیار ناظر زندان^۱ نیز می‌رسید. بر اساس ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات جدید، درخواست زندانی از شروط احصاء شده در ذیل ماده نمی‌باشد. بنابراین طرح آزادی مشروط، منوط به درخواست زندانی نیست و این موضوع از ماده‌ی ۵۸ که مقرر می‌دارد: «صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندان و تأیید دادستان یا دادیار ناظر(زندان) خواهد بود» نیز مستفاد می‌گردد.

نکته‌ی قابل ذکر دیگر این که، بر اساس قانون مجازات جدید، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، دیگر نقشی در زمینه‌ی پیشنهاد آزادی مشروط نداشته و پیشنهاد آن، با دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری می‌باشد. به این صورت که رئیس زندان محل گذراندن محکومیت، گزارش مربوط به وضعیت زندانی را در مورد این که همواره حسن خلق و رفتار داشته و وضعیت او نشان می‌دهد که پس از آزادی دیگر مرتکب جرم نخواهد شد، تهیه می‌کند و به تأیید قاضی اجرای احکام می‌رساند و قاضی اجرای احکام مکلف است پس از احراز شرایط فوق‌الذکر، پیشنهاد آزادی مشروط را به دادگاه صادرکننده حکم تقدیم کند.

۴-۲. مرجع رسیدگی به پیشنهاد آزادی مشروط

بر اساس ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات سابق، مرجع رسیدگی به پیشنهاد آزادی مشروط، دادگاه صادرکننده دادنامه‌ی محکومیت قطعی بود (نظریه‌ی ۷/۷۶۳۵-۱۴/۱۰/۱۳۸۳ اداره حقوقی قوه قضاییه). در این خصوص، قانونگذار در صدر ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات جدید، به ذکر عبارت کلی «دادگاه صادرکننده حکم» بسنده نموده و مقرر کرده: «در مورد محکومیت به حبس تعزیری، دادگاه

۱. این قسمت از ماده‌ی ۳۹ فقط ناظر به مراجع قضایی مانند دادستانی نیروهای مسلح و دادستانی انقلاب و نماینده او در زندان بود.

صادرکننده‌ی حکم می‌تواند ... با رعایت شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر کند...». این اقدام قانونگذار، ابهاماتی را در خصوص تشخیص مرجع صالح برای صدور حکم آزادی مشروط و این که مراد قانونگذار از «دادگاه صادرکننده‌ی حکم» کدام دادگاه است، ایجاد کرده بود. لیکن در این خصوص، علاوه بر نظریات متعدد اداری حقوقی قوه قضاییه که مبین صلاحیت دادگاه صادرکننده‌ی حکم قطعی در صدور حکم آزادی مشروط می‌باشد (نظریه‌ی ۷/۷۶۳۵-۱۴/۱۰/۱۳۸۳ اداره حقوقی قوه قضاییه)، در نهایت هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز طی رأی وحدت رویه‌ای، به صراحت وضعیت موضوع را روشن نمود (رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی ۷۳۱-۲۸/۸/۱۳۹۲).^۱ در نتیجه، مراد قانونگذار از «دادگاه صادرکننده‌ی حکم» در صدر ماده‌ی ۵۸، همانند قانون مجازات سابق، دادگاه صادرکننده‌ی حکم قطعی می‌باشد نه دادگاه بدوی؛ لذا حکم در هر مرجعی که قطعی گردد، همان مرجع، صالح به رسیدگی به تقاضای آزادی مشروط و اعطای آن می‌باشد (اعم از بدوی و تجدید نظر)، لیکن در صورتی که حکمی را دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار داده باشد، صدور حکم آزادی مشروط در خصوص آن، با دادگاه بدوی صادرکننده‌ی حکم است، زیرا دیوان عالی کشور جز نقض و ابرام آرای محاکم، وظیفه دیگری ندارد (نظریه‌ی ۷/۴۶۵۰-۳۱/۶/۱۳۸۳ اداره حقوقی قوه قضاییه).

۴-۳. مدت دوره‌ی آزادی مشروط و شرایط استمرار آن

بر اساس تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات سابق، پس از این که پیشنهاد صدور حکم آزادی مشروط مورد قبول دادگاه صادرکننده‌ی حکم قرار می‌گرفت، دادگاه مکلف بود ضمن صدور حکم آزادی مشروط، ترتیبات و محدودیت‌هایی را که محکوم‌علیه در دوره‌ی آزمایشی ملزم به رعایت آن‌ها بود، قید کند. اجبار و تکلیف دادگاه در این خصوص، از نگارش تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۸ قابل برداشت بود: «دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت

۱. مقررات مربوط به پیشنهاد آزادی مشروط، ناظر به اجرای احکام قطعی و لازم‌الاجراست و اظهارنظر قانونی در خصوص مورد هم علی‌الاصول با دادگاه صادرکننده‌ی حکم قطعی (اعم از بدوی یا تجدیدنظر) خواهد بود، همچنان که در مقررات نظام نیمه آزادی موضوع ماده‌ی ۵۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این امر مورد تصریح قرار گرفته است، لذا رأی شعبه نوزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران در حدی که با این نظر انطباق دارد، صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی مطابق ماده‌ی ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.»

کند ... در متن خود قید می‌کند...». البته برخی از نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز همچون نظریه‌ی شماره‌ی ۱۳۸۴/۰۷/۲۳-۷/۵۱۷۶، بر الزامی نبودن تعیین این دستورات، حتی در قانون سابق نیز اشاره دارد. محدودیت‌های ضمن حکم در ماده‌ی مذکور نیز تمثیلی بود و امکان تعیین دستورات مشابه و مناسب به حال محکوم از سوی دادگاه وجود داشت. در ماده‌ی ۶۰ قانون مجازات جدید، ترتیبات و شرایطی که محکوم علیه باید ظرف مدت آزادی مشروط رعایت کند، دستور یا دستورات مندرج در تعویق صدور حکم^۱ وفق ماده‌ی ۴۳ قانون مجازات اسلامی است؛ ضمن این که تعیین دستورات با توجه به صدر ماده، برخلاف ظاهر قانون سابق، از اختیارات دادگاه است. در واقع مستفاد از این ماده، به نظر می‌رسد اجرای آزادی مشروط در قانون جدید، به دو صورت ساده و مراقبتی امکان‌پذیر می‌باشد. نکته‌ی قابل توجه این که، قانونگذار در خصوص تغییر نوع دستورات دادگاه در طول دوره‌ی آزمایشی سکوت اختیار کرده است. در این خصوص، برخی حقوقدانان معتقدند با توجه به این که لغو یا تغییر دستورات دادگاه با توجه به تغییر اوضاع و احوال اجتماعی محکوم علیه در طول دوره‌ی آزادی مشروط، یکی از ضروریات یک سیاست پیشگیرنده است، لذا دادگاه صادرکننده‌ی حکم آزادی مشروط، باید بتواند هر زمان که مصلحت دید، دستورات خود را لغو و آزادی بیشتری به محکوم علیه اعطا نماید و از این جهت، منعی وجود ندارد (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲)، لیکن بر اساس نظریه‌ی اداره حقوقی قوه قضاییه، از آنجا که شرایط و مقررات، در متن حکم آزادی مشروط تصریح می‌شود، لذا تبدیل یا تغییر آن، به معنی تغییر در اصل حکم می‌باشد و چون قاضی بعد از صدور حکم، حق دخل و تصرف در آن را ندارد، نمی‌تواند شرایط مقرر در حکم را تغییر دهد (نظریه‌ی ۱۳۸۴/۵/۲۱-۷/۲۴۸).

مدت آزادی مشروط، علی‌الاصول شامل بقیه‌ی مدت مجازات حبس است. ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات سابق در این خصوص مقرر می‌داشت: «مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه، کمتر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود». بر ماده‌ی مذکور ایرادی وارد بود و آن این که در مواردی که مثلاً مدت حبس جرمی در حکم قطعی کمتر از یک سال می‌بود، احتساب مدت آزادی مشروط با مشکل مواجه می‌شد. برای مثال، در صورتی که قاضی دادگاه، برای متهم جرمی که

۱. قرار تعویق صدور حکم که در قانون سابق به کلی وجود نداشت، اختیار دادگاه است در به تعویق انداختن صدور حکم به مدت

۶ ماه تا ۲ سال در جرایم موجب تعزیر از درجه‌ی ۶ تا ۸، که این درجه‌بندی مجازات‌ها نیز تازگی دارد.

مجازات قانونی آن یک ماه تا یک سال حبس می‌بود، ۸ ماه حبس در نظر می‌گرفت، در فرض گذراندن نصف مدت مجازات و پیشنهاد آزادی مشروط از سوی محکوم و قبول آن، اگر دادگاه مدت آزادی مشروط را معادل بقیه‌ی مدت حبس یعنی چهار ماه در نظر می‌گرفت، این بانص ماده‌ی ۴۰ در تضاد و تعارض قرار می‌گرفت. از طرفی دیگر، اگر فقط با توجه نص ماده‌ی مذکور مدت آزادی مشروط را تعیین می‌کرد، حداقل آن یک سال بود و این برخلاف عدالت و به ضرر محکوم علیه تمام می‌شد. در قانون جدید، خوشبختانه این ایراد مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و در ماده‌ی ۵۹ آن مقرر شده: «مدت آزادی مشروط شامل بقیه‌ی مدت مجازات می‌شود لکن دادگاه می‌تواند آن را تغییر دهد و در هر حال آزادی مشروط نمی‌تواند کمتر از یک سال و زیادتر از پنج سال باشد، جز در مواردی که مدت باقی مانده کمتر از یک سال باشد، که در این صورت، مدت آزادی مشروط معادل بقیه‌ی مدت حبس است».^۱ بدین ترتیب، تکلیف مواردی که مدت باقی مانده مجازات کمتر از یک سال باشد نیز معین شده است. بر این اساس، به عنوان مثال برای شخصی که به بیست سال حبس محکوم شده است، وفق ماده‌ی ۵۸، پس از گذراندن ده سال حبس، امکان استفاده از آزادی مشروط وجود دارد. به موجب صدر این ماده، مدت آزادی مشروط در مورد این شخص باید شامل بقیه‌ی مدت مجازات یعنی ده سال گردد، لیکن در ادامه‌ی ماده مقرر گردیده است که در هر حال مدت آزادی مشروط نمی‌تواند از یک سال کمتر و از پنج سال بیشتر باشد. بدین ترتیب، مدت آزادی مشروط در مورد این شخص پنج سال خواهد بود. از طرف دیگر، باید توجه داشت که گرچه حداکثر مدت آزادی مشروط پنج سال است، اما بر اساس صراحت ماده‌ی ۶۱ قانون مجازات، اگر محکوم در مدت آزادی مشروط از دستورات دادگاه تبعیت نکند، دو سال به این مدت اضافه می‌گردد. بنابراین، تحت شرایطی خاص، مدت آزادی مشروط به هفت سال می‌رسد.

۱. قانونگذار در نگارش این ماده ی یک سیر فقهرایی مثبت به قانون راجع به مجازات اسلامی (تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۹) داشته است. تبصره‌ی مزبور مقرر می‌داشت: «مدت آزادی مشروط اصولاً شامل بقیه‌ی مدت مجازات خواهد بود ولی دادگاه می‌تواند مدت آن را تغییر دهد و در هر حال کمتر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود، جز در مواردی که بقیه‌ی مدت کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه‌ی مدت حبس خواهد بود».

۵. پایان آزادی مشروط

پس از قبول درخواست آزادی مشروط، دادگاه صادرکننده حکم، ترتیبات و دستورات لازم را که محکوم در دوره آزمایشی متعهد به رعایت آن‌ها می‌گردد، در متن حکم قید و ضمن آن به محکوم تفهیم می‌کند که هرگاه از دستورات دادگاه تخلف کند و یا مرتکب جرم جدیدی شود، بقیه‌ی محکومیت وی به حکم دادگاه صادرکننده حکم به مرحله‌ی اجرا در می‌آید (ماده‌ی ۶۰ ق.م.ا). بدیهی است در صورتی حکم آزادی مشروط به مرحله‌ی اجرا در می‌آید، که ترتیبات و شرایطی که در متن حکم قید می‌شود، مورد پذیرش و تعهد زندانی قرار گیرد (نظریه‌ی ۷/۵۲۲۳-۱۳۸۴/۰۸/۲۴ اداره حقوقی قوه قضاییه). البته در همین خصوص، برخی اساتید معتقدند که به موجب ماده‌ی ۶۰ قانون مجازات جدید که بر مبنای آن، دادگاه می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال وقوع جرم و خصوصیات روانی و شخصیت محکوم، او را در مدت آزادی مشروط به اجرای دستورات مندرج در تعویق صدور حکم ملزم کند و همچنین، با توجه به ماهیت آزادی مشروط که بر اساس ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات اسلامی، «حکم» دانسته شده است، می‌توان گفت که در صورت امتناع محکوم علیه بر فرض وجود شرایط این ماده، حکم به آزادی مشروط متصور است که البته در صورت تعیین دستورات وفق ماده‌ی ۶۰ و عدم تبعیت از دستورات، وفق ماده‌ی ۶۱ با محکوم علیه رفتار می‌گردد (شمس ناتری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶).

تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۸ قانون مجازات سابق، موارد لغو حکم آزادی مشروط را، عدم رعایت شرایط و ترتیبات مندرج در حکم توسط محکوم علیه یا ارتکاب جرم جدید برشمرده بود که در هر دو صورت، آزادی مشروط لغو و بقیه‌ی مدت محکومیت فرد به مورد اجرا گذاشته می‌شد.^۱ لذا بر اساس ظاهر این ماده، در صورت ارتکاب هر یک از اعمال تخطی از دستورات و ترتیبات دادگاه یا ارتکاب جرم جدید، بدون دادن هیچگونه اخطار یا فرصتی مجدد، فرد محکوم با نتیجه‌ی یکسان لغو آزادی مشروط و اجرای بقیه‌ی محکومیت مواجه می‌گشت. همچنین با توجه به ذکر مطلق عبارت «ارتکاب جرم جدید» در ماده‌ی مزبور، گویی از نظر قانونگذار، مطلق ارتکاب جرم اعم از عمد و غیرعمد در دوره‌ی آزمایشی، برای لغو حکم آزادی مشروط و اجرای بقیه‌ی محکومیت کفایت

۱. تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۸: «... که در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب مجدد، بقیه‌ی محکومیت وی به حکم دادگاه صادرکننده حکم به مرحله اجرا در می‌آید.»

می‌کرد که مسلماً این مسئله با منطبق حقوقی و عدالت و حمایت از حقوق محکوم‌علیه، در تغایر و تعارض قرار داشت، لیکن با تصویب قانون مجازات جدید، شاهد تغییرات جالب و قابل توجهی در این زمینه هستیم.

ماده‌ی ۶۱ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط، بدون عذر موجه از دستورات دادگاه تبعیت نکنند، برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرایم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه‌ی هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده‌ی محکومیت نیز به اجرا در می‌آید، در غیر این صورت آزادی او قطعی می‌شود». بر اساس نص ماده‌ی مزبور، اولاً در صورتی که محکوم عذر موجهی در عدم تبعیت از دستورات دادگاه داشته باشد، مشمول مجازات‌های مقرر در این ماده نمی‌گردد. ثانیاً، در صورتی هم که بدون عذر موجه از دستورات دادگاه تبعیت نکند، برخلاف قانون سابق، بلافاصله حکم آزادی مشروط لغو نگشته و بقیه‌ی مدت محکومیت وی به اجرا گذاشته نمی‌شود، بلکه برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود و در صورت تکرار تخلف از دستورات دادگاه، حکم آزادی مشروط لغو و مدت باقیمانده‌ی محکومیت نیز به اجرا در می‌آید. دستور دادگاه به لغو آزادی مشروط، از جمله احکام و تصمیماتی نیست که قانونگذار آن‌ها را غیرقابل اعتراض دانسته باشد، لذا این تصمیمات قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی نیستند (نظریه‌ی ۷/۹۰۸۳-۲۰/۱۱/۱۳۸۲ اداره حقوقی قوه قضاییه). ثالثاً، در قانون جدید برخلاف قانون سابق، مطلقاً ارتکاب جرم اعم از عمد و غیرعمد در دوره‌ی آزمایشی، برای لغو حکم آزادی مشروط و اجرای بقیه‌ی محکومیت، ملاک عمل نمی‌باشد، بلکه ارتکاب یکی از جرایم «عمدی» موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر «تا درجه‌ی هفت»، فرد را مشمول مقررات این ماده می‌گرداند که مستفاد از این ماده، به نظر می‌رسد با توجه به عدم ذکر جرایم تعزیری درجه‌ی هشت در عداد جرایم مذکور، نظر قانونگذار بر عدم تأثیر ارتکاب این درجه از مجازات‌ها در لغو حکم آزادی مشروط می‌باشد که اتخاذ چنین رویکردی، احتمالاً به علت سبک بودن جرایم مذکور و ناچیز بودن مجازات آن‌ها بوده است. لذا در این مورد نیز نسبت به قانون سابق، شاهد رویکرد ارفاقی قانونگذار نسبت به محکومین می‌باشیم.

حال اگر به هر دلیلی اعم از ارتکاب جرم جدید یا تخلف از ترتیبات و شرایط دادگاه، آزادی مشروط لغو شود، آیا مدتی که محکوم‌علیه به عنوان آزادی مشروط گذرانده است، قابل احتساب

است؟ در این خصوص در قانون مجازات سابق و همین‌طور قانون مجازات جدید حکمی وجود ندارد، لیکن قانون آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ تکلیف چنین مواردی را مشخص کرده بود و ماده‌ی ۶ آن مقرر می‌داشت: «مدتی که در آزادی مشروط گذشته است، جزء مدت محکومیت محسوب نخواهد شد». حکم مزبور از لحاظ تئوری چنین توجیه شده است که زندانی در دوران آزادی مشروط، عدم شایستگی خود را در استفاده از اعتماد و ارفاقی که به او شده، نشان داده است و در نتیجه نمی‌تواند از امتیازی که شایستگی آن را نداشته، به نفع خود استفاده کند. برخی از حقوقدانان نیز بر همین عقیده هستند (همان) لیکن شاید بتوان گفت با توجه به این که قانون مجازات جدید در این باره معنی ندارد، بتوان مدت سپری شده را جزء محکومیت او محاسبه کرد. این نظر با عدالت و حمایت از حقوق محکوم علیه نیز سازگارتر است.

هرگاه در دوره‌ی آزمایشی، حسن رفتار محکوم ثابت گردد، پس از آن از آزادی کامل و قطعی برخوردار می‌گردد. این مسئله در قانون مجازات سابق به صراحت ذکر نشده بود و از مفهوم مخالف و فحوای کلام قانونگذار در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۳۸ استنباط می‌شد، لیکن در قانون مجازات جدید، این مسئله صراحتاً در ماده‌ی ۶۱ مورد اشاره قرار گرفته است. با این حال، در صورتی که مجازات اصلی دارای آثار تبعی باشد، این آثار به قوت خود باقی می‌ماند و مجازات‌های ترمیمی همچون اقامت اجباری در نقاط معین نیز تحت تأثیر آزادی مشروط قرار نخواهد گرفت. به عبارت دیگر، چنانچه محکوم علیه در طی مدت آزادی مشروط مرتکب هیچ تخلفی نشود و دستورات دادگاه را رعایت کند، آزادی او قطعی خواهد شد اما پس از آزادی قطعی، محکومیت کیفری مجرم کماکان باقی و در سجل کیفری وی منعکس و سابقه برای تکرار جرم محسوب خواهد شد (شامبیانی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۵۱۰)، چرا که آزادی مشروط بر خلاف تعلیق اجرای مجازات، موجب زوال آثار محکومیت کیفری نمی‌گردد (تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۲۵ قانون مجازات اسلامی و نظریه‌ی ۷/۳۷۲۷-۷/۶-۱۳۷۶/۱۳۷۶ اداره‌ی حقوقی قوه قضاییه). البته لازم به ذکر است که قانونگذار در تبصره‌ی ۳ ماده‌ی ۲۵ قانون جدید، رویکرد سخنگیرانه‌ای را در این خصوص اتخاذ نموده و ملاک آغاز اثر تبعی را، بعد از اتمام مدت آزادی مشروط بیان کرده است، بر عکس قانون سابق که زمان آغاز اثر تبعی در آزادی مشروط بلافاصله بعد از آزادی بود.

۶. نظارت الکترونیکی؛ آزادی مشروط مکانی

یکی از مواردی که در قانون مجازات نوظهور در باب آزادی مشروط مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته و در قوانین سابق هیچ ردپایی از آن دیده نمی‌شود، ماده‌ی ۶۲ این قانون می‌باشد. به موجب این ماده: «در جرایم تعزیری درجه‌ی پنج تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده‌ی مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم) های الکترونیکی قرار دهد.

تبصره: دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستورات ذکر شده در تعویق مراقبتی قرار دهد.»

نظارت الکترونیکی به معنای کنترل و نظارت بر اشخاص از طریق ابزار و وسایل الکترونیکی در محیط خارج از زندان است (محمد نسل، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰) که تا پیش از این در حقوق کیفری ایران بی‌سابقه بوده است. نظارت الکترونیکی واجد ماهیت دوگانه بوده و نمی‌توان آن را صرفاً دارای جنبه‌ی سرکوبگرانه یا اصلاحی- درمانی دانست (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ص ۴۵). مهم‌ترین اهدافی که برای به‌کارگیری این شیوه‌ی نوین کیفری عنوان می‌شود، کاستن از جمعیت کیفری زندان، ارزان‌سازی مجازات‌ها و پیشگیری از وقوع پذیرش فرهنگ زندان است (غلامی، ۱۳۸۰، ص ۹۹). اساساً دو نوع نظارت الکترونیکی وجود دارد:

الف) نظارت الکترونیکی منفعل: که در این نوع نظارت، فرستنده‌ای به بدن (یک مچ بند به دست یا پا) و یک شماره گیر به تلفن وصل می‌شود و اگر محکوم، محدوده‌ی تعیین شده را ترک نماید، علامت قطع می‌شود و شماره گیر تلفن به طور اتوماتیک با اداره‌ی مربوط تماس برقرار می‌کند و چون شخص محکوم مکلف به پاسخگویی است، عدم پاسخگویی، خروج وی از محل را نشان می‌دهد (محمد نسل، همان).

ب) نظارت الکترونیکی فعال: که متضمن برقراری تماس تلفنی مستمر و غالباً اتفاقی با منزل مجرم است که این ارتباط تلفنی ممکن است به طور اتوماتیک توسط دستگاه صورت گیرد و یا شخصاً توسط مأمور مربوطه انجام شود (همان، ص ۱۲۱).

بر اساس نص ماده‌ی مزبور، اختیار تعیین نظارت الکترونیکی برای دادگاه در صورت وجود شرایطی است از جمله این که: ۱- مقررات این ماده‌ی تنها نسبت به جرایم تعزیری درجه‌ی پنج تا هشت، ۲- در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی ماده‌ی ۴۰ (وجود جهات تخفیف، پیش

بینی اصلاح مرتکب و ...)، ۳- در خصوص محکومیت‌های حبس و ۴- با رضایت محکوم علیه اعمال می‌گردد. همچنین بر اساس تبصره‌ی ماده‌ی مذکور، دادگاه در صورت لزوم می‌تواند محکوم را تابع تدابیر نظارتی یا دستوراتی از قبیل حرفه‌آموزی یا اشتغال به حرفه‌ای خاص، اقامت یا عدم اقامت در مکان معین، درمان بیماری یا ترک اعتیاد، پرداخت نفقه‌ی افراد واجب‌النفقة، خودداری از تصدی کلیه یا برخی از وسایل نقلیه موتوری، خودداری از فعالیت حرفه‌ای مرتبط با جرم ارتكابی یا استفاده از وسایل مؤثر در آن، خودداری از ارتباط و معاشرت با شرکاء یا معاونین جرم یا دیگر اشخاص از قبیل بزه‌دیده به تشخیص دادگاه، گذراندن دوره یا دوره‌های خاص آموزش و یادگیری مهارت‌های اساسی زندگی یا شرکت در دوره‌های تربیتی، اخلاقی، مذهبی، تحصیلی یا ورزشی قرار دهد.

لازم به ذکر است که اعمال مجازات تحت نظارت سامانه‌ی الکترونیکی باید در دادنامه و پس از ذکر مدت حبس انشاء گردد؛ بنابراین اجرای ماده‌ی مذکور بر مبنای مفاد دادنامه‌ای است که مرتکب در آن به مجازات حبس محکوم گردیده است. لذا در صورتی که در دادنامه، شخص به حبس محکوم گردیده باشد، این محکومیت صرفاً به حبس متعارف و در داخل زندان‌های عمومی ناظر است و در صورتی که در دادنامه‌ی محکومیت به حبس، به اعمال آن تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مقید گردد، این نوع حبس قابل اعمال است.

به نظر می‌رسد ماده‌ی مذکور علیرغم این که یکی از نقاط قوت قانون مجازات جدید در حوزه‌ی آزادی مشروط می‌باشد و امکان تبدیل حبس‌های تعزیری درجه‌ی پنج تا هشت را با نظارت از طریق سامانه الکترونیکی در محلی خارج از زندان فراهم می‌آورد و همچنین با توجه به کیفیت اجرای ماده، امکان سربلند بیرون آمدن محکوم را از دوره‌ی آزمایشی افزایش می‌دهد، لیکن با قواعد و مقررات کلی حاکم بر آزادی مشروط، تفاوت‌ها و تعارضاتی دارد. بدین شرح که بر اساس نصوص قانونی، آنچه که تا کنون در مقررات اعطای آزادی مشروط، ملاک و مدنظر قانونگذار قرار گرفته بود، حصول و تحقق یک سری شرایط زمانی در خصوص مجازات مورد حکم بوده است؛ یعنی علی‌القاعده تا زمانی که مواعد مقرر در قانون، نسبت به مجازات مورد حکم سپری نگردد، محکوم علیه حق استفاده از امتیاز آزادی مشروط را نخواهد داشت. حال آن که در ماده‌ی مورد بحث، سخنی از سپری شدن این مواعد قانونی به میان نیامده و در عوض، آزادی مشروط را تابع یک سری شرایط مکانی قرار داده است و آن عبارت است از قرار دادن محکوم به حبس در محدوده‌ی مکانی مشخص تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی در جرایم تعزیری درجه‌ی پنج تا هشت البته با

رضایت وی و به نظر می‌رسد که عنوان نمودن این ماده در مباحث مربوط به نظام نیمه‌آزادی در قانون مجازات جدید مناسب‌تر می‌نماید، زیرا همان طور که ذکر گشت، این ماده با یکی از شرایط اصلی آزادی مشروط که گذشتن مواعد مقرر قانونی از مجازات حبس مورد حکم است، هم‌خوانی ندارد.

در پایان، اشاره می‌گردد که حسب اشعار قانون سابق، اعطای آزادی مشروط از اختیارات دادگاه صادرکننده‌ی حکم قطعی بود و رد درخواست آزادی مشروط، غیر قابل اعتراض است که البته مانعی برای تقاضای مجدد محسوب نمی‌شد (مستفاد از نظریه‌ی ۷/۱۹۴۱-۱۳۷۳/۵/۲۰ اداره حقوقی قوه قضاییه) لیکن در قانون جدید، این موضوع لحاظ نگردیده و به موجب ماده‌ی ۶۳، شرایط اجرای مواد مربوط به نظام نیمه‌آزادی و آزادی، به تصویب آئین‌نامه‌ی اجرایی محول گشته است.

نتیجه

آزادی مشروط تأسیسی است که موجب می‌گردد چنانچه محکوم‌علیه در دوره‌ی آزادی آزمایشی، به اعتماد دستگاه قضایی پاسخ مثبت دهد، از آزادی قطعی برخوردار شود. اجرای آزادی مشروط در جهت نفع محکوم و جامعه، می‌تواند به اصلاح و تربیت بزه‌کار کمک کند و او را برای بازگشت قطعی به کانون خانوادگی خویش و جامعه ترغیب نماید. همچنین نهاد مذکور، علاوه بر تأکید بر اصلاح مجرم و کاهش هزینه‌های دولت، موجب کاهش آمار زندانیان شده و در صورت قطعیت، معایبی که مجازات حبس به دنبال دارد را کاهش می‌دهد.

در همین راستا، قانونگذار ایران از دیرباز با پذیرش تأسیس قضایی آزادی مشروط، گام‌های مؤثری در راستای اجرای سیاست کیفرزدایی و به طور خاص زندان‌زدایی برداشته است که این مقررات در قوانین سابق از جمله قانون مجازات ۱۳۷۰ دارای ابهامات و نواقصی بود که خوشبختانه با تدبیر و درایت قانونگذار محترم، این نواقص در قانون مجازات جدید مصوب ۱۳۹۲ تا حدودی مرتفع گشته و علاوه بر این، شاهد رویکردهای نوینی نیز - همچون ماده‌ی ۵۹ و ۶۲ - در این حوزه می‌باشیم. به طور کلی، عمده تغییرات قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ با قانون سابق عبارت است از: نخست، جایگزینی شرط محکومیت نخستین به کیفر حبس در قانون سابق با اشتراط عدم سابقه‌ی استفاده از آزادی مشروط در قانون جدیدالتصویب؛ دوم، ضرورت تحمل نصف مجازات در مورد محکومان به حبس بیشتر از ده سال و تحمل یک سوم از مدت مجازات در مورد محکومین به حبس

تا ده سال در قانون جدید، در حالی که به موجب قانون سابق، چنین تفکیکی وجود نداشته و در هر حال تحمل نیمی از مجازات می‌توانست موجبات استفاده از آزادی مشروط را فراهم آورد؛ سوم، مدت آزادی مشروط که طبق ماده‌ی ۵۹ قانون مجازات جدید، شامل بقیه‌ی مدت مجازات می‌گردد، لیکن وفق ذیل ماده‌ی ۴۰ قانون مجازات سابق، حتی اگر بقیه‌ی مدت حبس کمتر از یک سال می‌بود، مدت آزادی مشروط نمی‌توانست از بازه‌ی زمانی قانونی یک تا پنج سال خارج باشد. همچنین، به موجب ماده‌ی ۶۲ این قانون، در جرایم تعزیری درجه‌ی پنج تا هشت، دادگاه می‌تواند در صورت شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص، تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی قرار دهد که مورد اخیر، از جمله نوآوری‌های مطلق قانون مجازات نوظهور می‌باشد. در مجموع، شرایط استفاده از امتیاز آزادی مشروط برای محکومین در قانون جدید، نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ بسیار سهل‌تر و منطقی‌تر شده و راهکارهای مؤثرتری برای آن ارائه شده است که قابل تأمل و تحسین است؛ البته باید منتظر تصویب آئین‌نامه‌ی اجرایی این مقررات ماند و اجرای آن را در عمل قضاوت نمود.

از جمله پیشنهاداتی که می‌توان در راستای کارآمدتر شدن نهاد مذکور مطرح نمود، عبارتند از:
۱- شایسته است شرایط اعطای آزادی مشروط از بدو ورود مجرم به زندان، توسط دایره‌ی اجرای احکام دادگستری یا زندان‌ها به وی تفهیم گردد. این امر سبب خواهد شد که زندانی از همان بدو ورود به صورت هدفمند، در راه تحصیل شرایط مقرر در قانون و اصلاح خویش تلاش کند و بدین ترتیب از آثار سوء ناشی از حبس همچون ارتکاب اعمال خلاف قانون در دوره‌ی محکومیت خودداری نموده و راه اصلاح را بییابد.

۲- حتمیت و قطعیت در تحت مراقبت قرار دادن محکوم در هنگام تحمل حبس، در جهت تحصیل شرایط لازم و همچنین در طول مدت آزادی مشروط در جهت عدم تخلف از شروط قید شده در حکم آزادی، به صورت جدی انجام پذیرد تا امکان سربلند بیرون آمدن محکوم از این دوره‌ی آزمایشی افزایش یابد.

۳- فراهم نمودن بستر لازم جهت کمک به باز اجتماعی شدن زندانی و پذیرش اجتماعی توسط خانواده و جامعه از جمله فراهم نمودن امکان اشتغال مجدد، مسائلی است که دقت و اهتمام در آن می‌تواند این تأسیس قضایی را بیش از پیش کارآمد و ارزشمند سازد.

۴- جهت یکپارچه کردن قوانین، ماده واحده‌ی قانون راجع به آزادی مشروط زندانیان مصوب ۱۳۳۷ تا آنجایی که با ماده‌ی ۵۸ قانون مجازات ۱۳۹۲ مغایرتی ندارد، تحت عنوان یک ماده‌ی مکرر یا تبصره، به قانون جدید الحاق شود تا نواقصی مانند چگونگی استفاده‌ی محبوسین دائم از مقررات آزادی مشروط برطرف شود.

۵- در آخر، شایسته است که مقنن در قالب یک تبصره اعلام نماید که در صورتی که بنا به دلایلی حکم آزادی مشروط لغو گردد، مدتی که در دوران آزادی مشروط سپری شده است، جزء باقیمانده‌ی مدت محکومیت محاسبه و از آن کسر گردد.

فهرست منابع

- آنسل، مارک (۱۳۹۱)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی و محمد آشوری، چاپ چهارم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- اخوت، محمدعلی (۱۳۸۵)، **تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی**، چاپ اول، تهران: انتشارات صابریون.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۱)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، **حقوق جزای عمومی**، جلد سوم، تهران: نشر میزان.
- ایمانی، عباس (۱۳۸۶)، **فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری**، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
- باهری، محمد (۱۳۸۹)، **نگرشی بر حقوق جزای عمومی**، چاپ سوم، تهران: انتشارات مجد.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷)، **ترمینولوژی حقوق**، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۶)، **حقوق زندانیان و علم زندان‌ها**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شمس ناتری، محمد ابراهیم؛ کلاتتری، حمید رضا؛ زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب (۱۳۹۲)، **قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی**، جلد اول (حقوق جزای عمومی)، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۸)، **حقوق جزای عمومی**، جلد دوم، چاپ هشتم، تهران: انتشارات طرح نو.
- غلامی، حسین (۱۳۸۰)، **ارزیابی جرم‌شناختی دو نهاد حقوق کیفری؛ تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط**، مجله پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۵، صص ۱۲۸-۹۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۱)، **مقدمه‌ی علم حقوق**، چاپ هشتاد و یکم، تهران: نشر انتشار.
- کارمزدی، عبدالکریم (۱۳۷۶)، **آزادی مشروط زندانیان**، نشریه دادرسی، شماره اول، صص ۳۵-۴۰.
- لازرژ، کریستین (۱۳۹۰)، **درآمدی بر سیاست جنایی**، ترجمه‌ی علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.
- محبی، شاهرخ (۱۳۸۴)، **آزادی مشروط زندانیان**، مجله اصلاح و تربیت، شماره ۴۷، صص ۴۴-۴۳.

- محمدنژاد قادیکلایی، پرویز (۱۳۷۶)، **تأسیس‌های کیفری مؤثر بر محکومان به حبس، قسمت دوم**، ماهنامه اصلاح و تربیت، سال سوم، شماره ۳۰، صص ۴۴-۴۰.
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۴)، **نظارت الکترونیکی بر بزهکاران**، فصلنامه دانش انتظامی، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۱۹.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، **مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان**، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۹۰)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ دوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- نوربها، دکتر رضا (۱۳۹۱)، **زمینه‌ی حقوق جزای عمومی**، چاپ سی و چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.

